

شناسایی و پایبندی به حقوق مدنی و سیاسی جوانان: خاستگاه یا دستاورد پیشرفت

جعفر سطوتی*

دیباچه

جهان قرن بیست و یکم در حالی سالهای آغازین خود را سپری می‌کند که وارث دستاوردها و چالشهای فراوانی است که بیشتر ریشه در تحولات قرن بیستم دارد. اوضاع کنونی جهان چه در سطح بین‌المللی و چه در سطح ملی کشورهای مختلف حاکی از پیچیده‌تر شدن فزاینده عوامل و قواعد حاکم بر حیات بشری است. عوامل و قواعدی که پیوسته در جریان سلسله تجارب تاریخی متغیر و بعضاً قابل پیش‌بینی قرار دارند. اگر به اعلامیه هزاره مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد نگاه کنیم به روشنی می‌توان دریافت که چالشهای محتمل برای قرن جدید در ماهیت خود همان چالشهای قرنهای گذشته و به ویژه قرن بیستم می‌باشد.^۱

بررسیهای چند دهه اخیر نشان می‌دهد که جوانان همچنان پس از گذشت یک قرن محور تحولات و چالشهای ملی و بین‌المللی هستند. امروزه، از یک سو پدیده‌ها و چالشهایی وجود دارد که منحصر به یک جامعه خاص نمی‌شود و تمامی جوانان از ملیتهای گوناگون

* پژوهشگر و صاحب‌نظر در امور جوانان (Jaffar_satvati@yahoo.com)

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (IS)، سال سوم، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۵، صص ۲۴۸-۲۲۵

را تحت تأثیر قرار داده است و از سوی دیگر پتانسیل و ظرفیتهایی در جوانان وجود دارد که این تأثیر و تأثر را واقعاً متقابل می‌سازد.^۲ پتانسیل بالا، ظرفیت عظیم و سرمایه انسانی نسل جوان بیش از گذشته شناسایی و معرفی شده و جای خود را در ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جوامع تثبیت نموده است. وجود نظام و ساز و کارهای ویژه برای ساماندهی امور این نسل در همه دولتهای ملی و نیز نهادهای ملی و نیز نهادینه شدن توجه به مسائل این نسل در ساختار و نظام بین‌المللی، شرایطی است که به هیچ وجه در سالهای آغازین قرن بیستم وجود نداشت. تجارب ارزشمند قرن بیستم می‌تواند پشتوانه قابل اعتمادی برای پیشرفت حیات مادی و معنوی بشریت و به ویژه نسل جوان و به عبارتی حاملان و آینده سازان قرن جدید باشد. بنابراین، هرگونه بررسی و مطالعه درباره چالشهای گذشته و حال جوانان به فهم و درک بیشتر موضوع کمک می‌کند.

در این نوشتار تلاش می‌شود تا به یکی از چالشهای اساسی پیش روی جوانان پرداخته شده و به مجموعه‌های از پرسشهای کلیدی مربوط به آن پاسخ داده شود. موضوع حقوق مدنی و سیاسی که پیشینه آن به دهه‌های آغازین قرن بیستم بر می‌گردد، همچنان به عنوان یکی از چالشهای اصلی جوانان مطرح خواهد بود. اینکه خاستگاه طرح مباحث مربوط به حقوق جوانان چه بوده است؟ رویکردهای رایج و غالب در برابر این چالش از گذشته تا به حال چگونه تحول یافته است؟ و رابطه متقابل آن با یکی از عمده ترین چالشهای پیش روی جوانان، یعنی فرایند پیشرفت ملی چگونه ارزیابی و تحلیل می‌شود، از جمله پرسشهای کلیدی هستند که پاسخ بدان و یا دست کم بحث درباره آن می‌تواند به روشن شدن و تحلیل وضعیت موجود حقوق مدنی و سیاسی جوانان و در پی آن به درک چشم انداز محتمل در این زمینه کمک نماید. شناسایی عوامل و عناصر تأثیرگذار بر روند شکل گیری، شناسایی، ترویج و التزام به حقوق مدنی و سیاسی جوانان می‌تواند و باید در دستور کار ملی کشورها قرار گیرد، زیرا این نخستین و شاید راهبردیترین گام جدی در راه اعتلا و پیشرفت پایدار ملتها می‌باشد.

درباره ساختار این نوشتار باید یادآور شد که به موضوع پژوهش در سه بخش پرداخته شده است. در بخش نخست، موضوع حقوق مدنی و سیاسی در سطح تحلیل ملی و در فصل دوم در سطح تحلیل بین‌المللی مورد بررسی قرار گرفته و جریانها، الگوها و رویکردهای مربوط به شناسایی این حقوق به بحث گذاشته می‌شود. در بخش سوم، به طور ویژه الگوی جمهوری اسلامی ایران در این زمینه بررسی خواهد شد و در پایان در بخش نتیجه‌گیری به پرسش کلیدی پژوهش خیلی کوتاه پاسخ داده خواهد شد.

۱. سطح تحلیل ملی

در سطح تحلیل ملی درباره شناسایی و پایبندی به حقوق مدنی و سیاسی جوانان می‌توان دو جریان یا دو الگو را دسته بندی کرد. گروهی از کشورهای جهان متأثر از تحولات اجتماعی و سیاسی ناشی از شهرنشینی و زندگی مدرن و گروهی تحت تأثیر تحولات اجتماعی و سیاسی ناشی از تجارب دیگر کشورها و بعضاً متأثر از تصمیمات بین‌المللی از جمله تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون حقوق کودک و یا تصمیمات بین‌المللی مربوط به پیشرفت اقداماتی را در راستای شناسایی و پایبندی به حقوق جوانان انجام دادند. با این حال، روش کار و الگوهای مربوط به این مسئله در کشورهای مختلف از تنوع و تکثر و نیز تقدم و تأخر خاصی برخوردار است.

در برخی از کشورها که شامل کشورهای اروپایی و ایالات متحده می‌شوند، بروز اعتراضات و شورشهای دانشجویی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ سبب گردید تا مسئله‌ای چون حقوق مدنی جوانان بار دیگر به طور جد در ارکان حکومت و سیاست این کشورها مطرح شود و در پی آن جایگاه روشنی را در اسناد مربوط به حقوق دانشجویان، حقوق کودک (افراد زیر ۱۸ سال) و حقوق شهروندی (همه افراد از جمله جوانان بالای ۱۸ سال) به دست آورد. همین مسئله با کمی تأخیر در سایر کشورها مطرح شد. بدین معنی که جوانان برای

نیل به حقوق مدنی و سیاسی مشروع و ملی خود در جریان تحولات اجتماعی و سیاسی قرار گرفتند و پیشگام اعتراضات، جنبشها و حرکتهای ملی استقلال‌جو، دموکراسی خواه و آزادیخواه شدند، به گونه‌ای که جهان شاهد برخی از انقلابها در دهه ۱۹۷۰ و برخی جنبشهای مردمی مبارز علیه استبداد و سرکوب دولتهای سوسیالیستی در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ و اعتراضات دانشجویی در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ بوده است. مطالعات انجام شده حاکی از آن است که خاستگاه و منشاء اصلی همه این جنبشها نیز در خواست حقوق مدنی و سیاسی مشروع و به حق ملتها و به ویژه نسل جوان بوده است. جنبشهایی همچون اعتراضات دانشجویی در شهرهای برکلی، پاریس و برلین علیه نظام سیاسی در اواخر دهه ۱۹۶۰؛ اعتراضات عمومی در شهرهای اروپا علیه پایگاه‌های نظامی آمریکا، نیروگاه‌های اتمی، تسلیحات هسته‌ای و اقدامات تهدید کننده محیط زیست در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰؛ شورش جوانان در بریتانیا علیه بیکاری فزاینده، بی‌عدالتیهای اجتماعی و قومی در سالهای ۱۹۸۱ و ۱۹۸۵ و دهه ۱۹۹۰؛ تظاهرات دانشجویی در چکسلواکی علیه نظام کمونیستی در سال ۱۹۸۹؛ تظاهرات جوانان علیه استبداد کمونیستی در چین در سال ۱۹۸۹؛ تظاهرات گسترده دانشجویی در فرانسه علیه کاهش دستمزدها و شهریه‌های بالای آموزشی دهه ۱۹۹۰ و به ویژه سال ۱۹۹۴؛ اعتراض گسترده دانشجویان در بلغارستان در سال ۱۹۹۰ و تظاهرات و اعتصابات دانشجویی علیه دولت غیر مردمی در اوکراین در سال ۱۹۹۲؛^۲ اعتراضات و اعتصابات گسترده دانشجویی علیه قانون کار در آوریل-می ۲۰۰۶ در فرانسه و مواردی مانند آن، از جمله مواردی هستند که با هدف دستیابی به حقوق مدنی و سیاسی جوانان صورت گرفت و بیشتر آنها منجر به شناسایی برخی از حقوق مدنی و سیاسی مشروع از سوی دولتهای حاکم گردید.

گذشته از جنبشها و حرکتهای مدنی و سیاسی که در بیشتر کشورها خواسته‌های مدنی و سیاسی جوانان را در بر داشته است جریان دومی نیز باعث توجه به این خواسته‌ها گردیده است. این جریان دوم همان فرایند پیشرفت ملی در بیشتر کشورهای در حال

پیشرفت است که در راستای رسیدن به پیشرفت اجتماعی و سیاسی مجبور به اصلاحاتی در نظام مدنی و سیاسی شدند. برخی از کشورها که برنامه‌های پیشرفت خود را از دهه ۱۹۶۰ آغاز نمودند تا به امروز پیشرفتهایی را در حوزه حقوق مدنی و سیاسی داشته‌اند که در راستای نیل به هدفی بزرگتر؛ یعنی رسیدن به پیشرفت اجتماعی و سیاسی حاصل شده است. به باور بسیاری از صاحب‌نظران و متخصصان امر پیشرفت نیل به پیشرفت اجتماعی و سیاسی نیاز به برخی از زیر ساختها از جمله مردم‌سالاری، نظام آموزشی هدفمند و قوی، نظام شغلی و مناسبات مرتبط، آزادیهای فردی و مدنی، مشارکت هدفمند و قوی در قالب سازوکارها و ساختارهای مشارکتی فردی و مدنی دارد که ارتباطی دو طرفه با مقوله پیشرفت سیاسی و اجتماعی پیدا می‌کند. بدین معنی که وجود همین زیر ساختها می‌تواند به عنوان نشانه پیشرفت اجتماعی و سیاسی در یک جامعه ارزیابی شود. اغلب کشورهای در حال پیشرفت که به دلایل گوناگون توفیقات تاریخی کمتری را از طریق جنبشها و اعتراضات مدنی و سیاسی جوانان تجربه کرده‌اند، بیشتر به سمت این الگوی دوم متمایل شده و از این طریق حقوق مدنی و سیاسی جوانان را شناسایی و تحقق بخشیده‌اند. اگر به برخی از اسناد ملی این کشورها توجه شود به روشنی می‌توان این جریان را ملاحظه کرد، یعنی دولت‌های حاکم برای تداوم و استحکام فرایند ملی پیشرفت در کشور خود اقدام به برخی از اصلاحات برای نیل به پیشرفت اجتماعی و سیاسی نموده‌اند. توجه به حقوق مدنی و سیاسی جوانان در اسناد ملی مربوط به جوانان این کشورها خود بزرگترین گواه بر این امر است. برای نمونه در سند سیاست ملی جوانان کشورهای آفریقای جنوبی^۴ و کنیا^۵ بر حفظ و ارتقای حقوق مدنی و سیاسی جوانان تأکید شده است.

به طور کل، در تحلیل روند و عوامل ارتقای حقوق مدنی و سیاسی جوانان در سطح ملی می‌توان دو الگوی عمده را تعریف کرد. الگوی نخست، از گذشته و پیش از زمان طرح برنامه‌های پیشرفت اجتماعی و سیاسی در جهان (دهه ۱۹۸۰) مطرح بوده است و حوزه جغرافیایی آن نیز بیشتر کشورهای پیشرفته امروزی را شامل می‌شود. ویژگیهای این

الگو وجود عوامل مقطعی و برهه‌ای و فشار از پایین (مردم) در قالب اعتراضات، شورشها و جنبشهای مردمی جوانان و به ویژه جوانان دانشجوی و کارگر بوده که در واقع همان امتداد روند پیشرفت تاریخی در کشورهای اروپایی و ایالات متحده بوده است. همانطور که دموکراسی و آزادیهای فردی و مدنی از خلال کشمکشها و فشارهای مردمی این کشورها حاصل گردید، پیشرفت در روند ارتقای حقوق مدنی و سیاسی جوانان در این کشورها نیز بیشتر از همین ویژگیهای تاریخی برخوردار بوده است. از نمونه کشورهای متعلق به این الگو می‌توان به فرانسه، بریتانیا، ایالات متحده، آلمان و ایتالیا اشاره کرد که از خلال چالشهای تاریخی و در یک روند تدریجی و تحت فشارهای مردمی مجبور به پذیرش حقوق مدنی و سیاسی برای جوانان شدند.

الگوی دوم پس از طرح برنامه‌های پیشرفت و به ویژه پیشرفت اجتماعی در جهان مطرح می‌شود و حوزه جغرافیایی آن نیز بیشتر کشورهای در حال پیشرفت امروزی است. ویژگیهای این الگو تدریجی بودن آن و اراده از بالا (حاکمیت) می‌باشد که در قالب برنامه‌های پیشرفت سیاسی و پیشرفت اجتماعی و در چارچوب فرایندی کلی تحت عنوان پیشرفت^۶ مطرح می‌شده است. برخلاف الگوی نخست که متأثر از اعتراضات، شورشها و حرکت‌های خشونت آمیز است، الگوی دوم تحت تأثیر القانات، توصیه‌ها و روشنگریهای آرام و همیشگی صاحب‌نظران و متخصصان پیشرفت به نهادهای سیاستگذار و تصمیم‌گیر حاکمیت می‌باشد. از نمونه کشورهای متعلق به این الگو می‌توان به چین، هند،^۷ کره جنوبی، مالزی، پاکستان، فیلیپین، آفریقای جنوبی، کنیا، و جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد که عمدتاً ارتقای حقوق مدنی و سیاسی جوانان را در دستور کار برنامه‌های پیشرفت اجتماعی و سیاسی خود قرار دادند. البته قابل ذکر است که هرچند در این کشورها نیز در مقاطعی شاهد اعتراضات دانشجویی و یا بعضاً ناآرامیهایی بوده ایم لکن چون به طور مستقیم بر تحقق و ارتقای حقوق جوانان تمرکز و تأکید نداشته‌اند و موضوعات کلی‌تری چون حقوق سیاسی ملت، فساد سیاسی دستگاه حاکمه، تبعیض نژادی، و توزیع نابرابر خدمات اجتماعی، طرح مسئله

حقوق جوانان به طور خاص را تحت الشعاع قرار داده اند، لذا الگوی حاکم بر تحقق و ارتقای حقوق جوانان در این کشورها را باید همان توجه مستقیم دولت به حقوق جوانان از خلال برنامه های پیشرفت اجتماعی و سیاسی دانست.

۲. سطح تحلیل بین‌المللی

پیشینه موضوع حقوق مدنی و سیاسی جوانان در سطح بین‌الملل به زمان پیش از راه‌اندازی سازمان ملل متحد و قبل از تصویب منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر برمی‌گردد؛ یعنی هنگامی که برخی از کنوانسیونها، توصیه‌ها و قطعنامه‌ها در نظام جامعه ملل (۱۹۴۲-۱۹۱۹) به نفع جوانان و بالخصوص جوانان دانشجو و جوانان کارگر تصویب گردید. رویکرد غالب این اسناد را می‌توان رویکرد حفاظتی-رفاهی^(۱) دانست که بیشتر به شناسایی و حفظ و حراست از حقوق مدنی و مقولاتی چون نیازهای شغلی، بهداشتی، آموزشی و رفاهی جوانان توجه داشتند. در این دوران اسنادی تحت عناوین و موضوعاتی همچون کمیته سن برای اشتغال، معاینه پزشکی جوانان کارگر، کار شبانه، رفاه کودکان و جوانان، سن ازدواج و سن رضایت، تفریح و سرگرمی، مشروبات الکلی، حرفه آموزی، حفاظت از زنان و کودکان کارگر و تأمین ایمنی آنان در محیط کار در نظام جامعه ملل به تصویب رسیدند. قابل ذکر است که این رویکرد حفاظتی-رفاهی به حقوق جوانان بعدها در درون نظام سازمان ملل متحد نیز شکل گرفت و تا به امروز ادامه داشته است، به طوری که بسیاری از مصوبات سازمانها و نهادهای خانواده ملل متحد با این رویکرد به مسایل، نیازها و حقوق جوانان پرداخته اند.

اما با راه‌اندازی سازمان ملل متحد و تصویب منشور ملل متحد (۱۹۴۵) و اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) مرحله تازه‌ای از توجه به حقوق مدنی و سیاسی جوانان آغاز شد که منجر به اتخاذ رویکردی جدید و متفاوت از گذشته شد. هر چند بسیاری از سازمانها

1. Protective-Welfare approach

و مجامع بین‌المللی در توجه خود به مسایل جوانان همچنان رویکرد حفاظتی-رفاهی را اتخاذ می‌کردند، با این حال نظر به اینکه بیشتر توجهات جهانی به حقوق جوانان و زنان تحت تأثیر اسناد فرادستی همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر صورت می‌گرفت، باید رویکرد غالب در این مرحله جدید را رویکرد حقوق بشری^(۱) دانست. بسیاری از قطعنامه‌های مجمع عمومی و شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد (۱۹۶۵ به بعد)؛ قطعنامه‌های کمیسیون حقوق بشر ملل متحد (۱۹۶۹ به بعد)؛ و مصوبات اجلاسها و کنفرانسهای بین‌المللی مرتبط از جمله اسنادی هستند که با اتخاذ رویکرد حقوق بشری به مسائل حقوق مدنی و سیاسی جوانان توجه داشته‌اند. جدول شماره ۱ عمده‌ترین اسناد مربوط به این رویکرد را نشان می‌دهد.^۸

1. Human Rights Approach

با این حال، روند توجه بین‌المللی به حقوق مدنی و سیاسی زمانی به اوج خود می‌رسد که موضوع ارتقای حقوق مدنی و سیاسی جوانان با موضوع فرایند پیشرفت ملی به طور کل و فرایند پیشرفت اجتماعی و سیاسی به طور خاص پیوند معنادار و جهت‌داری می‌خورد. به عبارت دیگر، گذشته از تجربه دو رویکرد حفاظتی - رفاهی و حقوق بشری در زمینه توجه به حقوق مدنی و سیاسی جوانان که از زمان فعالیت جامعه ملل آغاز و سپس در طی فعالیت‌های سازمان ملل متحد تا کنون ادامه داشته است، رویکرد سومی نیز به حقوق جوانان در نزد سازمان‌های خانواده ملل متحد و نیز در مجامع و اجلاس‌های بین‌المللی شکل گرفته است که به لحاظ سطح فراگیری بسیار گسترده تر از دو رویکرد فوق است. رویکرد پیشرفت‌گرا به حقوق مدنی و سیاسی جوانان محصول رشد نظریات و تجارب عملی مربوط به پیشرفت است. نظریات و تجاربی که در نزد سازمان ملل متحد از دهه ۱۹۶۰ آغاز شده بود و تا پایان دهه ۱۹۹۰ به تکامل رسید. براساس رویکرد پیشرفت‌گرا توجه به تمامی ابعاد زندگی اعم از ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوانان جایگاه معناداری را در درون برنامه‌های پیشرفت پیدا می‌کند.

اما در خصوص زمان اتخاذ رویکرد پیشرفت‌گرا در قبال ارتقای حقوق مدنی و سیاسی جوانان باید آن را در آغاز توجه بین‌المللی به پیشرفت اجتماعی و سیاسی تحلیل نمود. همزمان با طرح مسائل پیشرفت اجتماعی در دهه دوم پیشرفت (۱۹۷۰) بود که مباحث مربوط به حقوق مدنی جوانان و نقش جوانان در فرایند پیشرفت ملی مطرح شد و سپس به سمت حقوق سیاسی جوانان در پیشرفت تسری و گسترش یافت. مطالعه و بررسی در اسناد مصوب سازمانها و مجامع و اجلاس‌های بین‌المللی مرتبط با امور جوانان مؤید این نکته است که توجه به حقوق مدنی و سیاسی جوانان در سطح بین‌المللی پس از دهه ۱۹۷۰ عمدتاً با رویکرد پیشرفت‌گرا صورت گرفته است. محتوای این اسناد و مباحث و موضوعات مورد تأکید بر آن کاملاً حاکی از غلبه این رویکرد در توجه به حقوق مدنی و سیاسی جوانان است. تصویب قطعنامه ۴۰/۱۴ مجمع عمومی ملل متحد در سال ۱۹۸۵ تحت عنوان «سال

بین‌المللی جوانان: پیشرفت، مشارکت، صلح»، خود حاکی از پیوندی منطقی و پایدار است که بین موضوع جوانان و فرایند پیشرفت در جهان برقرار شد. هر چند باید متذکر شد که مقدمات این امر از آغاز دهه ۱۹۷۰ در راستای توجه بیشتر به ابعاد اجتماعی پیشرفت شکل گرفته بود لکن قطعنامه مذکور یک اعلام رسمی بین‌المللی برای تمامی دولت‌ها و ملت‌های جهان مبنی بر لزوم توجه به مسائل جوانان از منظر پیشرفت بود.^{۱۰} متعاقباً این پیوند در تمامی اسناد بین‌المللی مرتبط برقرار و تقویت شد به گونه‌ای که به رسمیت شناختن بسیاری از حقوق مدنی و سیاسی برای جوانان به مثابه مبنا یا پیش شرطی برای نیل به پیشرفت اجتماعی و سیاسی کشورها تلقی گردید. برای نمونه در «برنامه عمل جهانی برای جوانان تا سال ۲۰۰۰ و پس از آن» که در ضمیمه قطعنامه ۵۰/۸۱ مجمع عمومی ملل متحد در دسامبر ۱۹۹۵ تصویب شد چنین تصریح شده است:^{۱۱}

۱۲- جوانان در تمامی کشورها منابع انسانی عمده برای توسعه و عوامل اصلی تحولات اجتماعی، پیشرفت اقتصادی و نوآوری فناورانه قلمداد می‌شوند. تصورات، آرمان‌ها، توانایی‌های قابل توجه و دیدگاه‌های آنان برای پیشرفت پایدار جوامع محل زندگی‌شان ضروری است. به همین علت نیاز خاصی به ایجاد راه‌هایی برای تدوین و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های جوانان در کلیه سطوح احساس می‌شود. روشهایی که به موجب آن چالش‌ها و همچنین توانایی‌های بالقوه جوانان رسیدگی شده و شرایط اجتماعی و اقتصادی امروز و رفاه و معیشت نسل‌های آتی تحت تأثیر قرار می‌گیرند. . . . ۲۹- دولت‌ها باید تضمین کنند که دهه آموزش حقوق بشر ملل متحد که از سال ۱۹۹۵ آغاز می‌شود، به نحو مقتضی در مدارس و نهادهای آموزشی مورد توجه و رعایت قرار گیرد. دولت‌ها باید به منظور آگاه‌سازی جوانان در زمینه حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و مسئولیتهای اجتماعی آنان و همچنین به منظور برقراری روابط مسالمت آمیز بین جوامع، احترام و دگرپذیری متقابل، برابری بین زنان و مردان، و با هدف پیشبرد راهبردهای ویژه برای حقوق بشر جوانان، توجه ویژه‌ای به حقوق بشر زنان داشته باشند.»

گذشته از شناسایی حقوق جوانان در بندهای یاد شده، برنامه عمل جهانی همچنین بر خاستگاه نظری خود که بر برنامه‌های توسعه استوار است تأکید دارد:

۱۵- برنامه عمل جهانی برای جوانان، همچنین بر پایه دیگر اسناد بین‌المللی استوار گشته است. اسنادی همچون: اعلامیه ریو در خصوص پیشرفت و محیط زیست مصوب کنفرانس ملل متحد در خصوص پیشرفت و محیط زیست؛ اعلامیه و برنامه عمل وین مصوب کنفرانس جهانی حقوق بشر؛ برنامه عمل کنفرانس بین‌المللی جمعیت و پیشرفت؛ اعلامیه کپنهاگ در خصوص پیشرفت اجتماعی؛ برنامه عمل اجلاس جهانی سران برای پیشرفت اجتماعی؛ و کار پایه عمل مصوب چهارمین کنفرانس جهانی زن».

جدول شماره ۲ بر خی از عمده‌ترین اسناد مربوط به حقوق مدنی و سیاسی جوانان در سطح بین‌المللی را که با رویکرد پیشرفت‌گرا به مسائل جوانان تهیه و تصویب شده اند را از آغاز دهه ۱۹۷۰ به بعد نشان می‌دهد.

رویکرد توسعه گرا تنظیم شده‌اند:

جدول ۲. عمده‌ترین اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی جوانان که با

ردیف	نام سند	شماره و تاریخ تصویب	مرجع تصویب	موضوع
۱	قلمنامه	(XXIX) ۱۰۸۶ ۱۳ نوامبر ۱۹۸۱	شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد	آموزش جوانان در رابطه با حقوق بشر جوانان و آزادهای انسانی. مشکلات جوانان مانند بنگاری و مشارکت آنها در توسعه ملی
۲	قلمنامه	۱۹۸۳/۱۷ ۲۶ می ۱۹۸۳	شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد	مشارکت جوانان در توسعه اجتماعی و اقتصادی و استفاده آنها از حق خود برای زندگی، تحصیل و آموزش و اشتغال به کار
۳	قلمنامه	۲۰/۱۵ ۱۸ نوامبر ۱۹۸۵	مجمع عمومی ملل متحد	بنا بر اساس لازم به منظور تضمین اجرای حقوق جوانان بالخصوص حق تحصیل و حق کار و اشتغال و نیز اولویت دادن به توسعه به بهادهای ملی برای اجرای اهداف ستاد بین‌المللی جوانان، مشارکت، توسعه صلح
۴	قلمنامه	۱۹۸۵/۲۷ ۲۹ می ۱۹۸۵	شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد	دخوت از دولتها و سازمانهای غیردولتی و سازمانهای خانواده ملل متحد به اجرای اولیایات مؤثر به منظور ترویج حقوق جوانان شامل حق زندگی، حق تحصیل، حق کار و تأکید بر مشارکت آنان در توسعه کشورشان
۵	قلمنامه	۲۱/۹۸ ۲ دسامبر ۱۹۸۶	مجمع عمومی ملل متحد	مشارکت جوانان در توسعه اجتماعی و اقتصادی و استفاده از حقوق خود در زمینه حق زندگی، حق تحصیل و حق کار و کسب معاش
۶	قلمنامه	۲۲/۵۳ ۲۰ نوامبر ۱۹۸۷	مجمع عمومی ملل متحد	ایجاد فرصتهای برابر برای همه جوانان در دستیابی به امکانات آموزشی، اشتغال و مشارکت در توسعه
۷	قلمنامه	۲۳/۱۴۶ ۸ دسامبر ۱۹۸۸	مجمع عمومی ملل متحد	ارزیابی اجرای اعلامیه ترویج آزادیهای صلح، احترام و تعاضد متقابل بین ملت ها در میان جوانان و تقاضا از کمیسیون توسعه اجتماعی برای ارسال دیدگاههایش در زمینه قلمنامه‌های تحت عنوان «سیاستها و برنامه‌های مربوط به جوانان»
۸	قلمنامه	۲۳/۵۹ ۸ دسامبر ۱۹۸۹	مجمع عمومی ملل متحد	سیاستها و برنامه‌های مربوط به جوانان (شامل گنجینه مواردی که در حوزه توسعه اجتماعی بررسی می‌شوند از جمله آموزش و تحصیل، اشتغال، بهداشت، مشارکت و...) و درخواست از مدیرکل برای برگزاری همایش جهانی جوانان نظام ملل متحد
۹	برنامه عمل جهانی برای جوانان تا سال ۲۰۰۰ و پس از آن، قلمنامه	۵۰/۸۱ ۱۲ دسامبر ۱۹۸۹	مجمع عمومی ملل متحد	تعیین ده حوزه اولویت‌دار آموزش، اشتغال، گرسنگی و فقر، بهداشت، محیط زیست، سوء استفاده از مواد مخدر، بزهکاری و نوجوانان، اوقات فراغت، دختران و زنان جوان، مشارکت کامل و مؤثر در حیات جامعه و تصمیم‌گیری و بینش‌های برای اقدام در این حوزه‌ها ضمن تأکید بر برخورداری کامل جوانان از حقوق بشر و آزادهای انسانی و اقدام دولتها علیه نقض این حقوق و آزادهای برای نيل به اهداف سال شصت جوانان، توسعه، مشارکت، صلح
۱۰	برنامه عمل جهانی	۱۰ اگوست ۱۹۹۸	سومین اجلاس جهانی جوانان نظام ملل متحد (برازیل، برنئال، ۶-۱۰ اگوست ۱۹۹۸)	نواندسازی جوانان به منظور مشارکت در فرایند توسعه از طریق سپس حقوق و مسئولیتهای متقابل آنان و دولتها و سازمانهای مدنی جوانان با تأکید بر نقش جوانان در ارتقای حقوق جوانان
۱۱	اعلامیه لیسبون	۱۲ اگوست ۱۹۹۸	اولین کنفرانس جهانی شورای مسئول جوانان (لیسبون، برنئال، ۸-۱۲ اگوست ۱۹۹۸)	سیاستها و برنامه‌های جوانان در سطوح ملی و بین‌المللی با تأکید بر راهکارهای مربوط به ظرفیت‌سازی و توانمندسازی جوانان، مشارکت مؤثر و گامی در فرایند توسعه، سپس حقوق و نقش جوانان در حوزه‌های مختلف مدنی و سیاسی
۱۲	استراتژی دفاکتو در خصوص توانمندسازی جوانان	۱۰ اگوست ۲۰۰۱	چهارمین اجلاس جهانی جوانان نظام ملل متحد (دفاکتو، سنگال ۶-۱۰ اگوست ۲۰۰۱)	توانمندسازی جوانان با تأکید بر توسعه اجتماعی شامل توانمندسازی و ارتباطات، بهداشت و جمعیت، گرسنگی و فقر و بدنی، محیط زیست و اسکان، بشریت، جذب اجتماعی، فرهنگ صلح، مشارکت و حقوق جوانان، دختران و زنان جوان، ورزش و اوقات فراغت
۱۳	قلمنامه	۵۶/۱۱۷ ۱۹ دسامبر ۲۰۰۱	مجمع عمومی ملل متحد	تحت عنوان «سیاستها و برنامه‌های مربوط به جوانان» این قلمنامه بر لزوم هزم و تصمیمات ملی و بین‌المللی برای اجرای گزین برنامه عمل جهانی برای جوانان تا سال ۲۰۰۰ و پس از آن با توجه خاص به توانمندسازی، ظرفیت‌سازی و سپس جوانان برای توسعه و مشارکت در تصمیم‌گیریهای ملی و بین‌المللی تأکید نمود.
۱۴	قلمنامه	۵۸/۱۳۲ ۲۲ دسامبر ۲۰۰۲	مجمع عمومی ملل متحد	تحت عنوان «سیاستها و برنامه‌های مربوط به جوانان» این قلمنامه بر لزوم هزم و تصمیمات ملی و بین‌المللی برای جوانان تا سال ۲۰۰۰ و پس از آن (با تأکید ویژه بر اشتغال جوانان) در عارچوب برنامه‌های ویژه برای توانمندسازی، ظرفیت‌سازی و سپس جوانان برای توسعه و مشارکت در تصمیم‌گیریهای ملی و بین‌المللی تأکید می‌کند.
۱۵	قلمنامه	۵۹/۱۴۷ ۳۰ دسامبر ۲۰۰۲	مجمع عمومی ملل متحد	این قلمنامه تحت عنوان «سیاستها و برنامه‌های جوانان، دهمین سالگرد برنامه عمل جهانی برای جوانان تا سال ۲۰۰۰ و پس از آن» بر لزوم ارتقای مشارکت ملی و بین‌المللی جوانان و پیش‌بینی ساز و کارهای مناسب (از جمله ایجاد و گسترش سازمانهای غیردولتی جوانان) برای اجرای برنامه عمل جهانی با توجه خاص به توسعه اجتماعی در حوزه جوانان تأکید نمود.

بنابراین، توجه به حقوق مدنی و سیاسی جوانان در سطح بین‌المللی که سابقه آن به زمان جامعه ملل بر می‌گشت، با ورود جهان به مباحث پیشرفت شکل قوی‌تری به خود گرفت. به عبارت دیگر، با گنجانیدن مباحث مربوط به حقوق مدنی و سیاسی جوانان در برنامه‌های توسعه اجتماعی و سیاسی، نه تنها از میزان اهمیت آن کاسته نشد، بلکه نظر به نظام و سازوکارهای منسجم و یکپارچه موجود در برنامه‌های پیشرفت احتمال تحقق این حقوق نیز افزایش یافت. موضوعاتی چون عدالت اجتماعی، آزادیهای مدنی و فردی، مشارکت اجتماعی و سیاسی، آزادی بیان، حق تعیین سرنوشت، حق تشکیل انجمنها و مجامع صنفی، فکری و اجتماعی، فعالیتهای حزبی و سیاسی از جمله موضوعات مطرح در پیشرفت اجتماعی و سیاسی بوده‌اند که تحقق هر کدام به معنای تحقق یکی از حقوق مدنی و سیاسی جوانان محسوب می‌شود. تأکید بر حقوق مدنی و سیاسی گروههایی چون زنان و جوانان در اسناد بین‌المللی مرتبط با پیشرفت که بیشتر از دهه ۱۹۷۰ به بعد به تصویب رسیده‌اند، حاکی از نگرش خاص نظریه‌پردازان، صاحب‌نظران و برنامه‌ریزان پیشرفت می‌باشد. نگرشی که به موجب آن برخی از گروههای اجتماعی مانند زنان و جوانان خود کارگردانان و عوامل اساسی پیشرفت اجتماعی و سیاسی اند و لذا نیل به پیشرفت اجتماعی و سیاسی خود نیازمند پیشرفت اجتماعی و سیاسی این منابع انسانی می‌باشد. از این رو تحقق حقوق مدنی و سیاسی جوانان از این منظر که پیش‌نیازی برای پیشرفت اجتماعی و سیاسی است خاستگاه پیشرفت محسوب می‌شود و از این منظر که در نتیجه اجرای برنامه‌های پیشرفت اجتماعی و سیاسی حاصل می‌شود می‌تواند محصول پیشرفت نیز تلقی شود.

حال که رویکردهای سه‌گانه به حقوق مدنی و سیاسی جوانان مورد مطالعه و بررسی جمالی قرار گرفت، در اینجا پرسشی مطرح می‌شود، اینکه توجه بین‌المللی به حقوق مدنی و سیاسی جوانان و اقدام برای تحقق آن در چه اشکالی صورت می‌گرفته است؟ در پاسخ باید متذکر شد که ماهیت فرابخشی بودن مسائل جوانان موجب شده است تا در بسیاری از اسناد بین‌المللی که تحت عناوین و موضوعات مختلف تنظیم شده‌اند توجه به مسئله جوانان

بالبعد کمی و کیفی متفاوتی صورت گیرد. بنابراین، شکل اسناد نیز از تنوع و تکثر بالایی برخوردار است. در عمده موارد به شکل قطعنامه، توصیه و بیانیه سازمانهای بین‌المللی و در مواردی نیز به شکل اعلامیه، بیانیه و میثاق نامه‌های مصوب کنفرانسهای بین‌المللی بوده است. اما یک سند جامع و خاص حقوق مدنی و سیاسی جوانان در سطح بین‌الملل که از طریق یک اجماع بین‌المللی و با حضور کلیه دولت‌های جهان تصویب شده باشد وجود ندارد. در عین حال، باید متذکر شد که در سال ۱۹۹۷ در این زمینه ابتکاری از سوی واحد جوانان ملل متحد صورت گرفت و پیش‌نویس منشور بین‌المللی حقوق جوانان تدوین گردید. واحد مذکور پیش‌نویس این منشور را به کلیه دولت‌های عضو سازمان ملل متحد ارسال نمود تا طی مشورتها و بررسیهای ملی، مواضع خود را مشخص و در جریان سومین همایش جهانی جوانان نظام ملل متحد (براگا، پرتغال، ۱۰-۱۶ آگوست ۱۹۹۸) از طریق نمایندگان جوان خود مطرح نمایند. متعاقباً به علت مخالفت برخی از کشورها این منشور در همایش مذکور به تصویب نرسید.^{۱۲} سال‌ها بعد در سطح منطقیهای ۴۶ کشور اروپایی موفق شدند تا منشوری را تحت عنوان منشور مشارکت جوانان (دهمین نشست کنگره مقامات محلی و منطقه ای اروپا، ۲۱ می ۲۰۰۳) و ۲۱ کشور آیبرو- امریکن کنوانسیون حقوق جوانان (باداجوز، اسپانیا، ۱۰ لغایت ۱۱ اکتبر ۲۰۰۵)^{۱۳} را به تصویب برسانند.

۳. الگوی جمهوری اسلامی ایران

در تحلیل موضوع بسیار مهم حقوق مدنی و سیاسی جوانان در جمهوری اسلامی ایران مناسب است نگاهی به دوران گذشته و پیش از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۹۷۹) افکنده شود. در زمان رژیم پهلوی دوم توجه به حقوق مدنی و سیاسی جوانان کاملاً تابع حقوق مدنی و سیاسی احاد ملت ایران بود. بدین معنی که در موقعیت آن زمان هنوز موضوع حقوق مدنی و سیاسی مردم به عنوان یک چالش اساسی مطرح بود و درگیریها و تلاشهای تمامی ایرانیان اعم از روشنفکران، متفکران، دانشجویان، زنان و غیره عموماً متوجه احقاق حقوق

مدنی و سیاسی کل شهروندان ایرانی بود. جوانان نیز حقوق خود را در گرو تحقق همان حقوق می‌دانستند. با این حال، باید متذکر شد که همزمانی دوران پهلوی دوم با فضای بین‌المللی (دهه های ۱۹۷۰ - ۱۹۴۰) موجب گردید تا هر گونه اقدامی در این زمینه منفعلانه و تحت تأثیر رویکرد حقوق بشری موجود در سطح بین‌الملل صورت گیرد. برگزاری کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر (تهران، ۲۲ آوریل لغایت ۱۳ مه ۱۹۶۸) و تصویب اعلامیه تهران نشان می‌دهد که چگونه فشارهای بین‌المللی در زمینه نقض حقوق بشر و حاشیه‌ای بودن این حقوق در ایران منجر به چنین اقدامی برای خروج از فشارهای داخلی و خارجی گردید. در اعلامیه مذکور توجه به مسئله جوانان در قالب گنجاندن یک پاراگراف مورد تأکید قرار گرفت: «آرزوهای نسل جوان برای داشتن دنیایی بهتر که در آن حقوق بشر و آزادیهای اساسی کاملاً به مرحله اجرا گذاشته شود باید به بهترین نحو مورد حمایت و تشویق قرار گیرد. مشارکت جوانان در شکل دادن به آینده بشریت ضروری است».^{۱۴} هر چند این انفعال در مقابل فشارهای داخلی و بین‌المللی ادامه داشت لکن نتوانست مانع از شکل‌گیری انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) شود. بدون شک نقض حقوق بشر به طور کل و حقوق مدنی و سیاسی به طور خاص یکی از علل اساسی شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران بود. نقض عدالت اجتماعی، وجود تبعیضهای مختلف، نقض آزادیهای فردی و اجتماعی، سرکوب و منع آزادی بیان و اندیشه، شکنجه زندانیان سیاسی، نقض آزادی فعالیت مجامع مدنی و احزاب سیاسی از نمونه‌های بارز نقض حقوق مدنی و سیاسی در آن زمان بود.

با پیروزی انقلاب اسلامی و متعاقباً استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران تمامی حقوق مدنی و سیاسی در عالیترین سند ملی؛ یعنی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی و طی فراندوم آذر ۱۳۵۸ به تأیید و تصویب ملت ایران رسید. متعاقباً اصلاحاتی نیز در قوانین مدنی و سیاسی صورت گرفت تا راه را برای تحقق هر چه بیشتر حقوق مدنی و سیاسی فراهم سازد. در این میان موضوع حقوق مدنی و سیاسی خاص جوانان تحت تأثیر حقوق مدنی و سیاسی کل شهروندان ایرانی قرار داشت و شاید برای نخستین بار از خلال

انقلاب فرهنگی بود که به موضوع جوانان در قالب زیر گروه‌های دانش‌آموزان و دانشجویان توجه گردید، لکن هیچ‌گونه ذکری از حقوق جوانان به صورت یک مقوله مستقل و تحت عنوان حقوق جوانان مطرح نشد.

اما نخستین بار که مسئله جوانان به صورت یک مقوله مستقل در جمهوری اسلامی ایران مطرح گردید و به سوی ملی شدن این مسئله حرکت نمود، تأسیس شورای عالی جوانان به موجب مصوبه جلسه ۲۷۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۷۱/۲/۱ بود. متعاقباً با تصویب اساسنامه این شورا در ۱۳۷۱/۵/۶ و راه‌اندازی دبیرخانه آن شرایط برای اهتمام رسمی جمهوری اسلامی ایران به مسئله جوانان به عنوان یک مقوله خاص و مستقل فراهم گردید. شاید تدوین و سپس تصویب منشور تربیتی نسل جوان در سال ۱۳۷۳ را بتوان سرآغازی برای توجه به مسئله جوانان ارزیابی کرد. در این منشور که در قالب ۱۴ عرصه و ۹۸ اصل تنظیم و تصویب گردید برخی از حقوق مربوط به جوانان مطرح شده است لکن محوریت بعد تکلیف‌مداری آن به حدی است که مسئولیتهای ذکر شده جوانان در این منشور آن دسته از حقوق ذکر شده را تحتالشعاع قرار می‌دهد. غلبه این بعد تکلیفی منشور تربیتی نسل جوان را می‌توان از نظرات تدوین‌کنندگان آن که در مقدمه منشور آمده است دریافت: «هر یک از عرصه‌های چهارده‌گانه منشور به اقتضای بعدی از ابعاد وجود انسانی و شأنی از شئون زندگی اجتماعی جوانان فرض و انتخاب شده است که تکلیف‌نهادهای فرهنگی و اجتماعی را در ابعاد گوناگون و جنبه‌های متفاوت زندگی جوانان روشن و معلوم می‌نماید و به صورت آیینهای شفاف، تصویری روشن از سیمای مطلوب نسل جوان در زمینه نیازها و آرمانها، تکلیفها و مسئولیتهای آنان ارائه می‌دهد و مسئولان را به جهاد در تحقق مفاد آن ترغیب و تشویق و تحریض می‌نماید.»

نکته دیگری که در خصوص این منشور قابل ذکر است غلبه بعد فرهنگی و تربیتی آن است که ناشی از رویکرد غالب مسئولان وقت می‌باشد. در آن مقطع زمانی رویکرد غالب در مسائل جوانان رویکرد فرهنگی بود که منجر به شکل‌گیری گفتمان مبارزه با تهاجم فرهنگی

غرب در حوزه جوانان شد. اما پس از هفتمین انتخابات ریاست جمهوری (۲ خرداد ۱۳۷۶) رویکرد غالب در مسائل جوانان تغییر یافت و به تدریج به یک رویکرد فرابخشی تبدیل شد. گفتمان ناشی از این رویکرد نیز در قالب گفتمان "جوانان فرصت هستند نه تهدید" استوار گردید و مبنای اصلاحات در حوزه جوانان شد. متعاقباً پس از تقویت این گفتمان و همراهی آن با گفتمان اصلاحات که معتقد به توسعه اجتماعی و سیاسی بود، ابتکار تدوین منشور ملی حقوق جوانان در جهت تکمیل سیاستهای توسعه اجتماعی و سیاسی دولت اصلاحات مطرح گردید؛ یعنی گذشته از ابتکاراتی مانند ایجاد و توسعه نهادهای مدنی جوانان، بسط و گسترش مجامع صنفی و دانشجویی، توسعه آزادیهای فردی و اجتماعی و ترویج برخی از ارزشهای مردم سالارانه که از سوی دولت اصلاحات صورت گرفت، این دولت در اقدامی دیگر خود رسماً از جایگاه حکومتی اقدام به شناسایی، معرفی و ترویج حقوق مدنی و سیاسی جوانان می‌نماید. هر چند در این راستا مشارکت و همیاری برخی از نهادهای مدنی جوانان و برخی از مؤسسات علمی و پژوهشی و یا شخصیت‌های دانشگاهی وجود داشته است، لکن رهبری و مدیریت این جریان بیشتر تحت تأثیر رویکرد دولت به توسعه و خواست آن برای توسعه اجتماعی (اراده از بالا) بود و کمتر تحت تأثیر خواست و فشار عامه مردم و نهادهای مدنی و سیاسی (فشار از پایین) قرار داشت. بنابراین، موضوع تدوین منشور ملی حقوق جوانان در تابستان ۱۳۸۲ در دستور کار سازمان ملی جوانان قرار گرفت و نهایتاً در شانزدهمین جلسه شورای عالی جوانان مورخ ۱۳۸۳/۳/۳۰ به تصویب رسید و مقرر شد مفاد این منشور و تکالیف مندرج در منشور تربیتی نسل جوان با یکدیگر تلفیق و تحت عنوان «منشور حقوق و مسئولیتهای جوانان» تدوین گردد. سازمان ملی جوانان موظف گردید مجموعه یاد شده را جهت تصویب نهایی به مراجع قانونی ارائه نماید. منشور ملی حقوق جوانان که در ۱۵ فصل و تحت عناوین ذیل تنظیم و تصویب گردید به طور شفاف و صریح به حقوق مدنی و سیاسی توجه داشته و آن را به رسمیت شناخته است:^{۱۵}

۱. هویت اسلامی و ایرانی ۲. مشارکت در سیاستگذاری و تدوین مقررات ۳. صلح و

توسعه ملی ۴. آموزش و پرورش ۵. آزادی عقیده و بیان ۶. بهداشت و سلامت ۷. اشتغال ۸. مسکن ۹. ازدواج و تشکیل خانواده ۱۰. تربیت بدنی و اوقات فراغت ۱۱. خدمت نظام وظیفه و دفاع ملی ۱۲. بزهکاری و دادرسی جوانان ۱۳. فنآوری اطلاعات و ارتباطات ۱۴. محیط زیست ۱۵. نظام جامع حقوق جوانان

گذشته از تدوین و تصویب منشور ملی حقوق جوانان که به ابتکار و با راهبری دولت انجام شد، یکی دیگر از اقداماتی که در قالب مدل اراده از بالا به منظور تحقق حقوق مدنی و سیاسی جوانان صورت گرفت اقدام دولت برای تدوین و تصویب سیاست ملی جوانان بوده است. همان طور که ذکر شد جمهوری اسلامی ایران نیز مانند بیشتر کشورهای در حال توسعه موضوع تحقق حقوق مدنی و سیاسی جوانان را با رویکردی اجتماعی-سیاسی برای نیل به اهداف اجتماعی توسعه از یک سو و زمینه سازی برای توسعه اجتماعی و سیاسی هر چه بیشتر از سوی دیگر انجام داد. تدوین و تصویب سند سیاست ملی جوانان جمهوری اسلامی ایران نیز در واقع محصول اتخاذ چنین رویکردی است. در این سند چهارده حوزه خاص مرتبط با امور جوانان مشخص شده و به تفکیک سیاستهای اجرایی مرتبط با هر یک از این حوزه ها نیز تعریف و تعیین شده‌اند. یکی از این حوزه‌ها حوزه حقوق و مشارکت جوانان است که در واقع شامل بیان حقوق مدنی و سیاسی جوانان نیز می‌شود.^{۱۶} در هر حال، باید اذعان داشت که جمهوری اسلامی ایران از جمله نادرترین کشورهاست که یک سند ملی ویژه حقوق جوانان تدوین و تصویب نموده است و این خود حاکی از نوعی توسعه یافتگی اجتماعی و سیاسی در این زمینه دارد. اما در مقایسه با سایر کشورها توجه و اهتمام جمهوری اسلامی ایران به حقوق مدنی و سیاسی جوانان در قالب مدل دوم تحلیل می‌شود؛ یعنی دولت اصلاحات در راستای رسیدن به توسعه اجتماعی و سیاسی، اقدام به اصلاحاتی در نظام مدنی و سیاسی نمود که به تدریج و در قالب تصمیم حاکمیتی صورت گرفت. بسط و توسعه نهادهای مدنی جوانان و زنان که در برنامه‌های سوم (۱۳۸۳-۱۳۷۹) و چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است خود بزرگترین شاهد این مدعا است.

تدوین و تصویب منشور ملی حقوق جوانان نیز راهکاری دیگر برای توسعه اجتماعی و سیاسی در حوزه جوانان بوده است. اما در پاسخ به این سؤال که تحقق حقوق مدنی و سیاسی جوانان در جمهوری اسلامی ایران خاستگاه توسعه و یا محصول آن است باید همان فرضیه تحقیق را تأیید نمود؛ یعنی بین توسعه اجتماعی- سیاسی و تحقق حقوق مدنی و سیاسی جوانان رابطه‌ای متقابل و مستقیم وجود دارد. بدین معنی که تحقق حقوق مدنی و سیاسی جوانان از یک سو پیش نیاز و خاستگاهی برای توسعه اجتماعی و سیاسی کشور محسوب می‌شود و از سوی دیگر اعمال برنامه‌های توسعه اجتماعی و سیاسی در کشور می‌تواند منجر به برخی از محصولات من جمله تحقق حقوق مدنی و سیاسی نسل جوان نیز بشود.

دستاورد

به طور کل مطالعات و بررسیهای انجام شده در زمینه جوانان نشان می‌دهد که این مسئله در حوزه مطالعات و تحقیقات از ماهیتی بین رشته‌ای یا چند رشته‌ای و در حوزه مدیریت و سازماندهی از ماهیتی فرابخشی برخوردار است. بسیاری از چالشهای صد ساله اخیر ارتباط تنگاتنگی با این مسئله داشته‌اند و این ارتباط ماهوی تا به امروز ادامه داشته است. چالشهای بزرگی همچون صلح و امنیت، مردم سالاری، آزادیهای فردی و مدنی، بهداشت، آموزش، اشتغال، مسکن، مشارکت مدنی و سیاسی، محیط زیست، عدالت اجتماعی، حقوق بشر، فناوریهای اطلاعات و ارتباطات، جهانی شدن و... علی‌رغم تنوع و تکثر و تفاوت در گستره مفهومی، ذهنی و عینی مربوط به خود، عموماً ارتباط معناداری با نیازها، گرایشها و نگرشهای جوانان دارند. به همین نحو مقوله‌های چون حقوق مدنی و سیاسی جوانان نیز متأثر از ماهیت مسئله جوانان از نوعی گستردگی خاص خود برخوردار است. لذا هرگونه کار نظری و عملی در این زمینه نیازمند لحاظ ابعاد و وجوه مختلف چالشهای مرتبط می‌باشد. این نوشتار تلاش نموده است تا با فرض وجود ابعاد ملی و بین‌المللی برای مسئله جوانان، تمرکز خود را معطوف به حقوق مدنی و سیاسی جوانان نموده و اشاراتی

به پیشینه، خاستگاه، رویکردها و تجارب عملی مربوط به این حوزه اعم از سطح ملی و بین‌المللی نماید. قطعاً گستردگی و پیچیدگی مباحث مربوط به حقوق مدنی و سیاسی جوانان به قدری است که نیازمند کارهای مطالعاتی عمیق و مفصل دارد. اما آنچه مقصود این مقاله بوده است پاسخ به برخی از سؤالات اساسی در این حوزه و تأمل در باب رابطه متقابل حقوق مدنی و سیاسی جوانان با توسعه اجتماعی و سیاسی بوده است که امیدواریم در این خصوص طرح مسئله و پاسخگویی مستدل صورت گرفته باشد. هر چند قصد نظریه پردازی و ارائه فرضیه نداشتیم، با این حال می‌توان این فرضیه را تأیید نمود که شناسایی و التزام به حقوق مدنی و سیاسی جوانان هم خاستگاه و هم محصول توسعه اجتماعی و سیاسی است. زیرا از یک سو تقدم مباحث حقوق مدنی و سیاسی و پیشینه این مباحث که به دوران قبل از مباحث توسعه برمی‌گردد برای هیچ کس قابل انکار نیست و از سوی دیگر تأکیدی که برنامه‌های توسعه اجتماعی و سیاسی بر مباحث مربوط به حقوق مدنی و سیاسی شامل حقوق شهروندی، حقوق زنان، حقوق جوانان، حقوق کودک، حقوق اقلیتها و حقوق گروه‌های خاص اجتماعی و تحقق هر چه بیشتر این حقوق دارند نشان می‌دهد که این حقوق می‌تواند و باید از محصولات توسعه اجتماعی و سیاسی باشد. □

پی‌نوشتها:

۱. این اعلامیه بر اساس ارزشهایی چون آزادی، برابری، همبستگی، بردباری و مدارا، احترام به طبیعت، و مسئولیت مشترک اهداف ذیل را برای قرن بیست و یکم مشخص می‌سازد: ۱. صلح، امنیت و خلع سلاح ۲. توسعه و فقرزدایی ۳. حفاظت از محیط زیست مشترک ۴. حقوق بشر، دموکراسی و حکومتداری نیک ۵. حمایت و حفاظت از افراد آسیب پذیر ۶. رسیدگی به نیازهای خاص آفریقا ۷. تقویت سازمان ملل متحد. برای اطلاعات بیشتر به منبع ذیل رجوع شود:

Source: UN General Assembly Resolution A/RES/55/2,8 September 2000, Millennium Declaration, Published by the United Nations Department of Public Information, DPI/2163.

۲. بنا به گزارشی که سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۳ تحت عنوان گزارش جهانی وضعیت جوانان انتشار داد پانزده چالش عمده پیش روی جوانان جهان مورد شناسایی و بررسی قرار گرفت. گزارش های ملی کشورهای عضو ملل متحد در خصوص وضعیت جوانان این کشورها و بالاخص گزارش ملی جوانان جمهوری اسلامی ایران نیز جملگی این نکته را تأیید می‌کند که مسائل جوانان در تمامی نقاط جهان از تشابه زیادی برخوردار است به گونه ای که تمامی ملت ها با درجات متفاوت با آن مواجه هستند. صرف نظر از بررسی علل این تشابه، نقشی که دولت ها، نهادهای جامعه مدنی و خود جوانان می‌توانند در رویارویی با این چالش ها ایفا کنند مورد توجه این گزارش بوده است. برای اطلاعات بیشتر به منبع ذیل رجوع شود:

Source: <http://www.un.org/esa/socdev/unyin/wyr03.htm>

3. Claire Wallace and Sijka Kovatcheva (1998), *Youth in Society: the Construction and Deconstruction of Youth in East and West Europe*, MACMILLAN Press LTD, London, pp. 187-192.

۴. در متن سند سیاست ملی جوانان آفریقای جنوبی در ذیل مبحث «حقوق، مسئولیت ها و التزامات جوانان» چنین آمده است: «... بدون توجه به پایگاه اجتماعی و اقتصادی و جنسیت جوانان، آنان از حقوق ذیل برخوردارند: مشارکت در سیاست ها، تصمیم گیری ها، رهبری و توسعه ملی؛ آزادی بیان قانونی؛ حفاظت در برابر کلیه اشکال سوء استفاده، اعمال زور و فشار، خشونت، استثمار و تحقیر؛ دسترسی به تمامی مزایای شهروندی از جمله آموزش و تحصیل (شامل فرصت هایی برای آموزش مادام العمر)، حرفه آموزی، اشتغال، مسکن، خدمات قانونی، مراقبت بهداشتی و تفریح و سرگرمی؛ و آینده ای امن و مطمئن از خلال سیاست ها و اقدامات تضمین کننده توسعه پایدار».

Source: <http://www.policy.org.za/html/govdocs/policy/chapter3.html>

۵. در متن سند سیاست ملی جوانان کنیا که رویکرد کلی این سند رویکرد توسعه ای است در ذیل عنوان «حقوق، مسئولیت ها و التزامات» حقوق سیاسی و مدنی جوانان به شکل ذیل مطرح شده است: «... ۱. حق زندگی ۲. حق آموزش و تحصیلات هدفمند و مفید ۳. بهداشت بهتر ۴. ازدواج در سن قانونی ۵. حفاظت و حمایت در برابر استثمار و سوء استفاده جنسی ۶. یافتن شغل مناسب و مفید ۷. حق داشتن سرپناه، پوشاک و غذای مناسب ۸. آزادی در گفتار، بیان و تشکیل اجتماعات ۹. مشارکت در تصمیم سازی مؤثر بر زندگیشان ۱۰. حفاظت و حمایت در برابر فریبکاریهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ۱۱. مالکیت خصوصی و حفاظت از دارایی»

Source: http://www.icnyp.net/www/files/final_nyp_kenya2003.pdf

۶. این فرایند در اغلب کشورهای در حال توسعه از دهه ۱۹۶۰ و تحت حمایتهای سازمان ملل متحد آغاز گردید. به همین علت بود که سازمان ملل متحد چهار دهه را برای توسعه تعریف نمود که آغاز آن دهه ۱۹۶۰ و چهارمین آن دهه ۱۹۹۰، یعنی دهه اوجگیری و تکامل نظریات و آخرین تجارب توسعه در جهان بود. برای اطلاعات بیشتر در خصوص چهار دهه توسعه به منبع ذیل رجوع شود:

United Nations Department of public Information,(1998), Basic Facts, New York, United Nations Publications, p. 127.

۷. در سند سیاست ملی جوانان هند نیز که همچون موارد کنیا و آفریقای جنوبی با رویکرد توسعه ای و توسط دولت (کمیسیون ملی جوانان ذیل وزارت جوانان و ورزش) در سال ۲۰۰۲ تدوین و سپس در سال ۲۰۰۴ به تصویب هیئت وزیران رسید، به طور خاص و مستقل به مباحثی چون اهداف سیاست، حوزه های اولویت دار، امتیازات و حقوق جوانان، مسئولیت های جوانان و بخش های کلیدی مرتبط با امور جوانان می پردازد.

Source: <http://yas.nic.in/>

۸. گذشته از اسناد فوق الذکر اسناد دیگری نیز از سوی مجمع عمومی و شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد و بلاخص کمیسیون حقوق بشر تصویب شده اند که متأثر از رویکرد حقوق بشری بوده اند. برای اطلاعات بیشتر به منبع ذیل رجوع شود:

Source: Angel, William David (1995), "International Law of Youth Rights", Netherlands, Martinus Nijhoff Publishers, chapters 12-13.

۹ لازم به ذکر است که اعلامیه توسعه و پیشرفت اجتماعی در سال ۱۹۶۹ تصویب شد، و بلافاصله نمودهای عینی مربوط به اهداف و خواسته های آن در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بروز و ظهور پیدا کردند.

10. United Nations General Assembly, Resolution 40/41 of 18 November 1985
11. "World Program of Action for Youth to the Year 2000 and Beyond"(1995), annexed to the UN General Assembly Resolution 50/81 of 14 December 1995.

۱۲. بنا به اظهارات مسئول وقت واحد جوانان سازمان ملل متحد، آقای ویلیام دیوید انجل، مخالفت کشورهای حاضر در همایش به علل ذیل بود: در جریان سومین همایش جهانی جوانان نظام ملل متحد هر یک از کار گروه های همایش توسط یکی از سازمانهای غیردولتی منطقهای و یا بین المللی جوانان ریاست می شد. در این همایش ریاست کار گروه حقوق بشر و حقوق جوانان برعهده فدراسیون جهانی جوانان دموکراتیک (مستقر در بوداپست مجارستان) بود. این فدراسیون یکی از سازمانهای غیردولتی بین المللی بوده که توسط حزب جوانان کمونیست شوروی پیروزی و تأسیس شده بود و این موجب حساسیت کشورهای غربی شد. این حساسیت زمانی که رومانی مدعی و مدافع ایده منشور بین المللی حقوق جوانان شد قوت گرفت، زیرا رومانی برای سالها تحت رهبری کمونیستی تیکلا چائوشسکو (۱۹۸۹-۱۹۶۹) بود. کشورهای غربی ایده منشور بین المللی را ایده و طرحی کمونیستی در نظر گرفتند و خواستار تأکید سازمان ملل متحد بر ارائه کمکها و همکاریهای فنی و کارشناسی در زمینه توسعه جوانان شدند تا تأکید و توجه بر اعمال استانداردهای بین المللی حقوق بشری بر گروه های مختلف جمعیتی. در عین حال، همین دسته از کشورهای غربی از کنوانسیونهای مربوط به زنان، کودکان، مهاجران و کارگران حمایت کردند. دلیل دیگر این بود که برخی از کشورها از تصویب چنین اسنادی در زمینه جوانان اجتناب می کردند و به عنوان بلوک ضد جوانان سعی می کردند موضوع به سمت کودکان تمایل یابد زیرا موضوع کودکان دارای پیچیدگیهای مربوط به حقوق جوانان که گروهی انقلابی محسوب می شوند نیست. کشورهای گروه ۷۷ در این دسته قرار داشتند که نگران تقویت نقش و جایگاه مدنی و سیاسی جوانان در کشورشان بودند.

۱۳. این کنوانسیون در پنج فصل و ۴۲ ماده تنظیم گردید که فصل دوم آن تحت عنوان حقوق سیاسی و مدنی مواد ذیل را شامل می شود: «۹. حق حیات ۱۰. حق تشخیص فردی ۱۱. حق محافظت در برابر سوء استفاده جنسی ۱۲. حق مخالفت وجدانی ۱۳. حق برخورداری از عدالت ۱۴. حق هویت و شخصیت فردی ۱۵. حق حریم خصوصی و برداشت و تصور شخصی ۱۶. حق آزادی و امنیت شخص ۱۷. حق آزادی اندیشه، وجدان و مذهب ۱۸. آزادی بیان، گرد همایی و تشکیل انجمن ۱۹. حق شناسایی به عنوان بخشی اساسی در خانواده ۲۰. حق تشکیل خانواده ۲۱. حق مشارکت».

14. Proclamation of Tehran, adopted in the "International Conference on Human Rights", April 22-May 13, 1968, Tehran Iran, paragraph 17.

۱۵. بنا به اظهارات رحیم عبادی، مشاور رئیس جمهور وقت و رئیس سازمان ملی جوانان (۱۳۸۴-۱۳۸۲)، تدوین یک سند ملی تحت عنوان منشور که بتواند به ترویج حقوق جوانان در جامعه کمک کند تحت فشار جوانان و جامعه نبوده، بلکه رویکرد دولت اصلاحات به توسعه منجر به سمت گیری و توجه خاص برنامه های توسعه به توسعه اجتماعی و در نتیجه توجه شدید به مقولاتی چون زنان و جوانان گردید. به عبارت دیگر، در دوران دولت اصلاحات (۱۳۷۶-۱۳۸۴) هر چند مطالبات جوانان افزایش یافته بود، اما این افزایش در حدی نبود که آنها را تبدیل به گروه های فشار برای ایجاد حرکتی ملی برای تدوین یک منشور ملی حقوق جوانان نماید. در واقع، عامل قوی تر برای اهتمام به حقوق جوانان همانا اراده حکومت بود که در راستای نیل به توسعه اجتماعی هرچه بیشتر در صدد ایجاد و تقویت زیرساخت ها و پایه های لازم برآمد. به رسمیت شناختن حقوق مدنی و سیاسی جوانان که در قالب تدوین منشور ملی حقوق جوانان صورت گرفت، در واقع ایجاد و تقویت پایه های لازم برای توسعه اجتماعی و سیاسی هرچه بیشتر را هدف قرار داده بود که عمدتاً تحت رهبری و هدایت نخبگان و متفکران حاضر در حاکمیت صورت گرفت تا تحت فشار توده مردم. این در حالی است که موضوع مشابهی چون تحقق حقوق مدنی و سیاسی برای زنان که آن نیز در قالب تدوین و تصویب منشور ملی حقوق زن دنبال شد، هرچند از هدفی مشابه - یعنی ایجاد و تقویت پایه های لازم برای توسعه اجتماعی و سیاسی هرچه بیشتر کشور - تبعیت کرد، لکن در مقایسه با موضوع جوانان تا حدود زیادی نیز تحت تأثیر فشارهای مردمی و نهادهای مدنی طرفدار حقوق زنان داشت.

۱۶. سازمان ملی جوانان (۱۳۸۴)، سیاست ملی جوانان در جمهوری اسلامی ایران، مصوب بیست و سومین جلسه شورای عالی جوانان مورخ ۱۳۸۴/۲/۷ و مصوب هیئت وزیران جلسه مورخ ۱۳۸۴/۵/۲.